احتمالی در فقه الحدیث روایت معمر بن خلاد

شاگرد: چون این نص مهمتریـن نصی است که آقایان استفاده می‌کنند، به‌صورت خلاصه می‌فرمایی‌د که جمع‌بندی شما چیست؟

استاد: جمع‌بندی آن در یک کلمه که لوث می‌شود. گاهی می‌بینی‌د که باید مقدماتی گفته شود تا در ذهن شریفتان واضح شود. اما فعلاً به‌عنوان اینکه خیلی مدادنداز نباشد عرض می‌کنم: ببینی‌د در آن زمان نزد محدثین روایاتی که این‌چنین بود، خیلی ها مردد بودند؛ چون روایاتی را هم شنیده بودند، در فضای روایات عدد بودند. نمی‌خواهم فعلاً فقه الحدیث را بگویم. بلکه چون این روایات عدد بین محدثین آمده بود و جا باز کرده بود و حتی در زمان صدوق و شیخ مفید هم در دفاع از آن رساله نوشته بودند، این روایات به این جهت است که این انحصار و هیمنه‌ای که بین محدثین در مورد روایات عدد بود را بشکنند. روایات عدد می‌گوید شعبان بیست و نه روز است و تمام. عددی یعنی چه؟ یعنی یکی تام و یکی ناقص. روایات عدد می‌گوید شعبان بیست و نه روز است، فردای بیست و نهم دیگر تمام شد. خیلی ها با عنایت به اینکه شعبان بیست و نه روز است، می‌گویند من چطور می‌خواهم سیام را روزه نگیرم؟! ماه شعبانی که طبق روایات عدد بیست و نه روز است، حال شما در روز سیام می‌گویی‌د که بیا بخور؟!

> 10:45

شاگرد:...

استاد: نه، آن روایتی بود که نقل کرد. حضرت گفتند چرا نمی‌آیی که بخوری؟ روز سیام شعبان بود، گفت آقا روزه گرفته‌ام. حضرت فرمودند که چرا روزه گرفته‌ای؟! گفت روایتی شنیده‌ام که یوم الشک روزی است که وفّق الله له، و حال اینکه فضا فضایی بود که این یوم الشک شکی باشد چه در محدوده روایات عدد و چه شکی باشد در محدوده رؤیت.

شاگرد: یعنی شک او حکمی بوده؟

استاد: یعنی روایات را شنیده بودند. یُتّقی کما یتقی من العامة. در چنین فضایی بود. لذا این یک احتمال است. برای اینکه شما فرمودی‌د اشاره بکن. یعنی گاهی معصومین علیهم‌السلام داشتند میخ روایات «صوم للرؤیة و افطر للرؤیة» را در قلب کردن روایات عدد –که می‌گویند شعبان بیست و نه روز است و خلاص- بیان می‌کردند و این را می‌کوبیدند. لذا حضرت می‌فرمایند آن هم که گفتند احتیاط کنید برای این نیست که شما شعبان را بیست و نه روز بگیری‌د و دائما احتیاط کنید. وقتی هوا صاف است چرا احتیاط کنید؟! یعنی این روایت مخالفت صریح با این دارد که ما قبول نداریم که شعبان بیست و نه روز است. یعنی در روایات عدد است.

شاگرد: روایات اندلس هم همین است؟

استاد: نه، آن استظهار دیگری دارد. در اینجا من این را به‌عنوان احتمال مطرح کردم. هنوز استظهار از این حدیث مانده است. من خیالم می‌رسد که اصلاً این جور نیست. شما باید مجموع روایاتی که ناظر به «وفّق الله» هستند را در نظر بگیری و از کل آن استظهار بکنید. ان شاءالله در پشت صفحه به آن می‌رسیم. فعلاً این یک احتمال هست که روایت را به‌عنوان دلالت قطعی کنار می‌زند. یعنی ناظر به این نیست که اصلاً یوم الشک نیست. یعنی اگر هوا صاف بود یوم الشک نیست. خب، بعداً اهل بلد آخر شهادت دادند، بگوییم بیخود شهادت دادند؟! شیخ فرمودند آن جایی که اهل بلد آخر شهادت می‌دهند برای آن جایی است که در شهر شما ابر باشد. پس اگر در شهر شما هوا صاف بود، اهل بلد دیگر شهادت بدهند یا ندهند، تمام است. و حال اینکه این روایت می‌خواهد آن را بزند؟! یعنی خود حاج آقا به این لازمه‌اش ملتزم می‌شوند؟! اگر در شهر شما هوا صاف بود و اهل بلد دیگر گفتند که ما دیدیم، می‌گویند روایت می‌گوید که یوم الشک اصلاً برای شما نیست؟! معمر که منجم نبود و با همین چشم عادی ندید، پس اصلاً یوم الشک نیست! فرمودند امروز اصلاً برای هوای صاف یوم الشک نیست.

می‌فرمایند: **«حضرت در اینجا می‌فرماید نباید معامله یوم الشک بنمایی»**؛ یعنی اصلاً جای احتیاط نیست. آن روایات برای آن جایی است که شک است؛ نباید معامله یوم الشک کنید. بعد می‌گویند که این روایت نسبت به هر دو آنها دلالت دارد. این روایت در جای خودش. من می‌خواهم نکاتی را عرض کنم و این روایت جای خودش را دارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 ژوئیه 2026 19:44:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئیه 2026 19:46:01 توسط ... .